

خلاصه کتاب راز آنچه رهبران می دانند و به کار می‌بینند از کن بلانچارد و مارک میلر توسط دیجیست بوک

رهبری، شباهت بسیاری به یک کوه یخی دارد. یک کوه یخی را درون آب تصور کنید، بخش کوچکی از آن قابل رویت است و بخش بزرگی درون آب فرو رفته و پنهان است. در مطابقت با رهبری آن بخش کوچک، که روی آب قابل رویت است مهارت‌های رهبری است که مربوط به اعمال رهبر می‌شود آن بخش بزرگ که درون آب فرو رفته و پنهان است، همان شخصیت رهبر است که مربوط به وجود رهبر می‌شود. پس رهبر شدن به شخصیت و مهارت‌های رهبری نیاز دارد.

راز رهبران بزرگ این است: رهبران بزرگ خدمت می‌کنند.

پنج شیوه اساسی و بنیادی برای خدمت کردن هر رهبر بزرگی وجود دارد:

اولین شیوه اساسی و بنیادی برای خدمت کردن هر رهبر بزرگی آینده نگری است،

آینده را ببین

رهبران باید اطمینان یابند تیمشان می‌دانند که آنها را کجا می‌برند بررسی دیدگاه در مورد آینده، موانعی که بر سر راه است و فرصتهایی که در دسترس تیم است، یک فعالیت سر بالا است. چون در مورد دیدگاه و مسیر صحبت می‌کنیم. کمک در به کار بستن دیدگاهها و تبدیل دیدگاه به واقعیت، یک فعالیت سرپایین است. مشارکت دادن افراد در انجام کارهای سر بالا و سرپایین موجب همکاری بیشتر آنها میشود، اما این مسوولیت رهبر است که اطمینان حاصل کند که تمامی کارهای سر بالا انجام شده است.

ارزشها، باورهایی هستند که محرک رفتار ما می‌شوند. بنابراین برای دستیابی به اهداف، باید بر اساس گروهی از ارزش های محوری، کار و زندگی کنیم این باورها یا به خودی خود ظاهر می‌شوند، یا رهبران آنها را آگاهانه، به عمد یا به طور هدفمند ایجاد می‌کنند. رفتار ما را هدایت و موفقیت مداوم ما را تضمین می‌کند. این وظیفه رهبر است تا امروز، وقتی را آزاد کند و زمانی ایجاد کند تا مطمئن شود فردایی هست، تا فردا را تضمین کند.

دومین شیوه اساسی و بنیادی، برای خدمت کردن هر رهبر بزرگی، بکارگیری و رشد دیگران است.

دیگران را به کار بگیرید و رشد بده

مهم ترین تصمیم یک مسول این است که چه کسی، چه کاری را باید انجام دهد، گماردن شخص مناسب در یک پست مناسب. در انتخاب افراد دقیق باش چون هزینه یک انتخاب ضعیف سرسام آور است و از دست دادن یک داوطلب ارجح تر

از، از دست دادن یکی از اعضای تیم است. با هر جفت دستی که به کار می‌گیری، مغزت را آزاد می‌کنی. پس سرها و قلبهای آنها را هم بکار بگیر. سوخت نیروی رهبری، قصد خدمت به دیگران است.

سومین شیوه اساسی و بنیادی، برای خدمت کردن هر رهبر بزرگی، بازسازی مداوم است. بازسازی مداوم را در سه بخش بررسی می‌کنیم:

بخش اول: رهبران بزرگ خود را در سطح فردی و شخصی مدام بازسازی می‌کنند، مداوم می‌آموزند و سطح دانش و مهارتهای خود را بالا می‌برند. به خاطر دلایل زیر:

اول بخاطر مدلسازی رفتار افراد، اگر خود جدی نباشیم افراد هم در بازسازی شخصی جدی نیستند. دوم: بخاطر حفظ تعادل، تعادل میان خود و رقبا و عقب نماندن از تغییراتی که در دنیا ایجاد می‌شود. سوم: به خاطر بروز بودن، برای داشتن پاسخ‌ها برای مشکلات و چالش‌های سازمان و چهارم: بخاطر اینکه مداومت در آموزش و رشد یکی از راههای به حرکت در آوردن نیروهاست.

بخش دوم: سیستمها و پروسه‌ها را مداوم بازسازی کنید رهبران بزرگ، همیشه در پی پاسخ به سوالاتی از این قبل اند: چگونه می‌توانم بهتر کار کنم؟ چگونه می‌توانم کارم را با اشتباهات کمتری انجام دهم؟ چگونه می‌توانم کار را سریعتر انجام دهم؟ چگونه می‌توانم آن را با هزینه کمتری انجام دهم؟ رهبران باید میل به بهبود موقعیت را در افرادشان هم ایجاد کنند چون افراد آنها هستند که عامل موفقیت یا شکست می‌شوند، هرچند خود، قهرمان کامیابی‌ها باشند.

بخش سوم: ساختار سازمان باید سیال و انعطاف پذیر باشد تا جهت افزایش کارایی سیستم‌ها یا روندهایی که نیاز است تغییر کنند. از تیم خود سوال کنید که چگونه می‌توانند روند کار را تغییر دهند تا موجب بهبود کارایی شود؟ و بر اساس آن ساختاری به تیم بدهید که متناسب با نیازهای کاری شما باشد.

چهارمین شیوه اساسی و بنیادی برای خدمت کردن هر رهبر بزرگی، ارزش دادن به نتایج و روابط ارزشی است.

راه به حداکثر رساندن نتایج برای یک رهبر این است که در مورد روابط و نتایج انتظارات بالا داشته باشد. این یعنی موفقیت. نتایج و روابط یک فرمول اثبات شده است. رهبران برجسته، انتظار کسب نتیجه دارند و با افراد تحت رهبری خود روابط خوبی دارند. با افراد خود روابط معناداری ایجاد کن بدین گونه که قلباً باید صادق باشی و انگیزه هایت معتبر باشد تا از ایجاد رابطه استقبال کنند.

مردم دستانشان را به شما نخواهند داد، مگر اینکه بتوانند قلب شما را ببینند. با گوش کردن، سرمایه‌گذاری از وقت خود در زندگی افراد، مراقبت عمیق و اهمیت دادن به آنها، قدردانی از انجام خوب و صحیح کارها، اصول اساسی یک رابطه خوب را

به جا آور. در رساندن افرادت به هدف زندگی شان خود، خواستار و سرمایه گذار باش. به روابط ارزش بده. اگر به دنیای افراد اهمیت بدهی و اهداف و رویاها و کشمکش هایشان را جویا شوی، به شما اجازه خواهند داد تا به دنیای آنها وارد شوید. در هر حال ریسک های ارتباطی را بپذیر.

پنجمین و آخرین شیوه اساسی و بنیادی، برای خدمت کردن هر رهبر بزرگی عینیت بخشیدن به ارزش هاست .

همه رهبری خردمندانه بر پایه اعتماد استوار است. ایجاد اعتماد راههای گوناگونی دارد. یکی از این راهها این است که با ارزش هایی که اعلام می کنی زندگی کنی. یکی از کارهای رهبران بزرگ در ایجاد اعتماد، ایجاد ، اعلام، مدلسازی و تقویت ارزش های اصلی است. نیروی رهبر در اعتماد و پذیرشی است که به خود جلب می کند، نه در ارزش های صرفاً صحیح. وقتی رهبر به ارزش ها عینیت می بخشد این کار به همه سازمان منتقل می شود و فرهنگ سازمان با نحوه عمل تیم یکپارچه میگردد.

آخرین آزمون رهبری، توانایی آموزش دادن و ایجاد یک موفقیت ساز تواناست. این از نشانه های رهبران بزرگ است که کارهایی انجام دهد تا افرادش بتوانند بدون او کارشان را انجام دهند و پیروز شوند. یعنی سایر رهبران را تربیت کرده ورشد دهد.

پایان خلاصه ی کتاب راز آنچه رهبران بزرگ می دانند و بکار میبندند